

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود

تابستان ۱۴۰۱

هویت ایرانیان در گذرگاه تاریخ

با تأکید بر هویت دینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱/۲۴

رشید رکابیان^۱

مرتضی بابایی^۲

هویت که لازمه بقا و تداوم زندگی اجتماعی است، از عناصری مانند: سرزمین، زبان، دین و مذهب، حکومت و دولت، نژاد و قومیت، سنت‌ها و آیین‌ها، میراث فکری، اسطوره‌ها و قهرمانان تشکیل شده است. این تحقیق، به این پرسش می‌پردازد که دین چه نقشی در شکل‌گیری هویت ایرانیان در طول تاریخ داشته و تأثیر هویت دینی ایرانیان بر تحولات سیاسی اجتماعی ایران چگونه بوده است؟

مقاله حاضر، با بهره‌گیری از روش وصفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، به این نتیجه رسیده است که بر پایه شواهدی همچون معنویت و خداگرایی، دین، جزء ذاتی هویت ایرانی است و در رویدادهایی مثل: برآمدن دولت‌های علویان طبرستان، آل بویه، صفویه و انقلاب اسلامی، نقشی غیرقابل انکار داشته است.

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد (نویسنده مسئول):
(ra.recabian@abru.ac.ir)

۲. دکترای انقلاب اسلامی از دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دانشگاه: (morteza.babaie88@gmail.com).

کلیدواژگان: هویت، دین، هویت دینی، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، عوامل پیدایش حکومت‌ها.

طرح مسئله

شاید بتوان گفت، هویت دینی، از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است که طی فرایندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در بین افراد جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی دارد و به عبارتی، عملیات تشابه‌سازی و تمایزبخشی را انجام می‌دهد. ادیان از آغاز تاکنون، همواره در هویت‌بخشی مدنی و اجتماعی به بشر، نقش مثبت و مؤثری داشته‌اند. هویت دینی، متضمن سطحی از هویت اجتماعی است که با «مای جمعی» یا همان اجتماعی دینی متناظر است و نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی، و همچنین، تعهد به دین و جامعه دینی است.^۱ هویت جمعی ایرانیان و مؤلفه‌های تاثیرگذار آن در طول تاریخ، عامل تشخیص، معرفی و بازشناسی جامعه ایرانی از سایر جوامع بوده است. آنچه اغلب محققان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که سه رکن مهم و عمده هویت در ایران، عبارت‌اند از: ۱. جغرافیا؛ ۲. زبان فارسی؛ ۳. دین.

واقعیت آن است که در گذشته ایران، دین نقش مهمی در هویت ایرانی داشته؛ ولی در تحول تاریخی، ادیان دچار تحول شده‌اند. قبل از ظهور زردشت، ساکنان فلات ایران به ادیان دیگری همچون میترائیسم و نظایر آن باور داشتند؛^۲ اما پس از آن، دین زردشت به بخش مهمی از هویت ایرانی تبدیل شد و ایرانیان نیازهای معنوی خود را از طریق عمل به احکام آن برآورده می‌کردند.^۳ با ظهور اسلام، دین زردشت موقعیت پیشین خود را از

۱. چیت‌ساز قمی، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، ص ۲۱-۴۳.

۲. گرن، دین‌های ایران باستان، ص ۴۵.

۳. همان.

دست داد و اکثریت ایرانیان به آیین جدید گرویدند. بدین گونه است که پذیرش اسلام به هیچ وجه متضاد با هویت ایرانی قلمداد نشد و بزرگ‌ترین فرهیختگان ادبی، فکری و سیاسی ایران که به رستاخیز ادبی، فرهنگی و سیاسی کشور همت گماشتند، از مسلمانان معتقد و مؤمن بودند. در همان حال، همین مؤمنان مسلمان با تعصب، تمام میراث تاریخی، تمدنی، فرهنگی و سیاسی ایران باستان را زنده نگاه داشتند و زمینه رستاخیز دولت ایرانی را فراهم نمودند. بر این اساس، این تحقیق به نقش دین به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت ایرانیان در طول تاریخ اشاره دارد و تحولات سیاسی ایران، همانند: ورود اسلام به ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان، برآمدن صفویه، بروز و ظهور انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را باید برآمده از هویت دینی ایرانیان دانست.

مفاهیم نظری

۱. هویت

واژه «هویت» یا «الهیویه»، کلمه‌ای است عربی از «هو» که ضمیر غایب مفرد مذکر است و از آن، لفظ «هوهو» یا «الهو هو» را ساخته‌اند که اسم مرکب و معرفه به ال می‌باشد.^۱ معادل لاتین آن، Identity است که از لغت Identitas مشتق شده و معنای تداوم و تمایز را به همراه دارد. در نگاه جامعه‌شناسان، اساساً هویت در مقابل غیر، قابل طرح است. اگر فضا یک دست باشد، عنصر هویت خود را نشان نمی‌دهد. از این منظر، هویت، به معنای هستی و وجود است؛ چیزی که وسیله شناسائی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند.^۲ در مجموع، می‌توان گفت هویت به عنوان پدیده‌ای سیال و چند وجهی، حاصل فرآیند مستمر تاریخی است که تحت تاثیر شرایط محیطی، همواره با تحولات سیاسی و اجتماعی

۱. الطائی، بحران هویت قومی در ایران، ص ۱۳۹.

۲. تاجیک، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، ص ۱۴.

جوامع بشری شکل می‌گیرد؛ به تعبیر دیگر، هویت به‌طور تغییرناپذیری بین‌الذهانی است و با مفاهیم اجتماعی و سمبل‌های فرهنگی آمیخته شده و با آنها تفسیر می‌شود.^۱

۲. دین

واژه «دین» در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی چون: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیرآن آمده است.^۲ در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی از جمله: جزاء، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است.^۳

در اصطلاح، دین به معنای:

- مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان‌بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود، آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد.^۴

- دین، روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این‌رو، لازم است شریعت، دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیایی انسان نیز پاسخ گوید.^۵

۳. هویت دینی و ابعاد آن

موضوع هویت مذهبی و الگوی آن، در ارتباط با هر دینی متفاوت است؛ چراکه هویت مذهبی به‌شدت به ماهیت و تاریخ ادیان، تاریخ جنبش‌های مذهبی و نوع عقاید دینی مربوط می‌شود. بنابراین، در اندازه‌گیری هویت مذهبی در هر دین خاص، باید به

۱. خانیکی، هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران، ص ۳۴.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۷۷۲.

۳. قریشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۸۰-۳۸۱.

۴. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲-۳.

۵. همو، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰.

ترجیحات دینی، نوع طبقه‌بندی فرقه‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی هر کدام باید توجه کرد؛ اما صرف نظر از این مطلب، گل محمدی، هویت دینی را مجموعه‌ای نسبتاً پایدار و ثابت از ایستارها می‌داند که فرد از رابطه خود با دین در ذهن دارد.

وی چهار نوع هویت دینی را شامل موارد ذیل دانسته است:

- هویت دینی روش‌مدار: هم هدف و هم روش را باید از دین گرفت.
- هویت دینی هدف‌مدار: اهداف کلی از دین باشد؛ اما انتخاب روش درست، به عهده فرد است.

- هویت دینی اخلاق‌مدار: نه اهداف و نه روش، از دین نیست و فرد بر اساس اقتضائات برون‌دینی تصمیم‌گیری می‌کند.

- هویت دینی عرف‌مدار: روشی است که در بخشی از اعمال مردم تحقق پذیرد و ناشی از عامل طبیعی نباشد.^۱

وی تصریح کرده است که هویت دینی افراد - و نه هویت دینی گروه‌های دینی - از حیث رابطه‌ای که با دین برقرار می‌کنند و اثری که دین بر شخصیت آنها می‌گذارد، قابل بررسی است.^۲

عقیده شهید مرتضی مطهری در خصوص هویت ایرانی، قابل تأمل فراوان است؛ زیرا وی ذات و ماهیت ویژه‌ای را برای هویت ایرانی قائل است و آن، دین‌گرایی است.^۳ هویت ایرانی، بر دو پایه اسلام و ایران، متکی است و در این میان، وی دین اسلام را مهم‌ترین مؤلفه ملیت و هویت ملی می‌شناسد...^۴ او در نهایت، عنصر اصلی هویت ایرانی را در گرایش به اسلام و تعالیم اسلامی می‌داند.

۱. گل محمدی، جهانی شدن فرهنگ و هویت، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. کچوئیان، تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران، ص ۸۰.

۴. مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۶۳.

۴. ماهیت و جوهره دینی در ایران

یکی از معیارهای مهم برای فهم و درک هویت دینی ایرانیان، توجه به محتوا، مضامین مهم و مطرح و رایج در میان ایرانیان است که می‌توان آنها را در تقسیم‌بندی ذیل مشاهده کرد؛ به این معنا که در مجموع، هویت دینی، تحت تأثیر گفتمان‌ها و جریان‌های فکری غالب در ایران، ذات و مضمون متکثر، متعدد و متنوع داشته و در چهار وجه کلی قابل تفکیک می‌باشد:

- **هویت فقهی، شرعی و حقوقی:** مبتنی بر علم فقه که در آن افراد، مکلف به فعل دینی بر اساس دستورات دین هستند.

- **هویت اخلاقی:** که بر فضایل اخلاقی و اوصاف دینداران تأکید داشته و بر اساس اسوه‌های حسنه، به دنبال فهم سعادت بشری هستند.

- **هویت ایدئولوژیک:** که به باید و نبایدها توجه کرده، به دنبال تحقق جهان‌بینی توحیدی بوده و ادعای جانشینی خدا را دارد و در نهایت، بر تعهدات و مسئولیت‌های مردمی در برابر دیگران تأکید می‌کند.

- **هویت عرفانی:** که بر مفاهیمی مثل: عشق الهی، سیروسلوک و مبدأ توجه دارد.^۱ در نهایت، باید گفت بسط فرهنگ و تمدن اسلامی، در گرو تعامل هویت‌های دینی در ایران [و جهان اسلام] است.^۲ جوهره هویت دینی ایرانیان را مشتمل بر عناصر و ویژگی‌های ذاتی ذیل می‌داند:

۱. پذیرش وجود خداوند یگانه و اعتقاد به مبدأ و معاد، در تمام ادیان ایرانی و نیز ایرانیان پذیرفته شده است.

۱. ر.ک: جوانی، انواع هویت دینی.

۲. همان، ص ۱۳۵-۱۴۳.

۲. اندیشه فره ایزدی در روح ایرانی، ویژگی مهم دیگر هویت ایرانی است. این بدان معناست که در روح ایرانی یا آریایی، دین و دولت به هم می‌رسند و وحدت می‌یابند. اساساً در اندیشه ایرانی، اندیشه فره ایزدی (پادشاهی)، با پیشوایی یکی توأم است و این، به اتحاد دولت و دیانت می‌انجامد.^۱

۳. تحت تأثیر اندیشه فره مذهبی، ادغام دین و سیاست، یکی از مبانی اصلی هویت دینی در ایران به شمار می‌آید و از جمله رگه‌های برجسته ایرانیان در طول تاریخ، این مسئله بوده است. باید گفت، گستره دخالت و حضور دین و گرایش‌های دینی در هویت ایرانی، بسیار فراخ و گسترده بوده و ایرانیان دین را به‌عنوان یک عنصر مهم در تمامی ابعاد حیات اجتماعی خود و نیز رفتار فردی دخالت داده و وارد نموده‌اند.

۴. بازگشت مستمر به عناصر جوهری دینی در هنگام برخورد با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و ادیان جدید و بازتولید مجدد دین در عرصه زندگی فردی و جمعی که در ایده‌هایی مثل بازگشت به خویشتن نمود یافته است.

۵. تمایل جدی ایرانیان به حفظ شاکله و بن‌مایه‌های هویت دینی خود و در عین حال، تلاش برای تقویت و توسعه عناصر زندگی دینی خویش، از طریق تولید انواع ترکیب‌های تازه. این امر که به‌منزله تداوم تاریخی عنصر دین در فرهنگ و هویت ایرانی است، در تمامی دوره‌های تاریخی قابل مشاهده است. ایرانیان در هر مقطع زمانی و در هر عرصه یا زمینه‌ای، در صدد حفظ روح مذهبی خود بوده، آن را تقویت کرده و توسعه داده‌اند. این امر، به‌ویژه در دوره اسلامی، قابل شناسایی است. در حقیقت، این شیوه تعامل با فرهنگ اسلامی، حاکی از قوت هویت دینی ایرانیان داشته است و آنها را به سوی ترکیب‌گرایی مستمر دینی کشانیده است. ترکیب اینها باعث:

۱. افتخاری، اسلام و ایران (مذهب و ملیت ایرانی)، ص ۲۳۰.

- حفظ و گسترش عناصر اخلاقی دین زرتشت در دوران اسلامی، مانند آسا که در آیین زرتشت به مفهوم راستی و پاکی است، دارای معانی همچون: راستی و درستی، پاکی، پرهیزکاری، از خود گذشتگی، فداکاری، جوانمردی، داد و انصاف، میانه‌روی و اعتدال، نظم و انضباط و کلیه صفات نیک انسانی است. نیز اصول اعتقادی زرتشت، شامل: توحید مطلق و ایمان به هستی‌بخش دانا، اعتقاد به اصل دین (نیک و بد)، عقیده به جاودانگی روح، عقیده به بهشت و دوزخ، ایمان به پیامبری اشو زرتشت، عقیده به روز واپسین و عقیده به سوشیانت یا روز موعود و یا بازگشت انسان به خدا.^۱ پرواضح است که این اخلاقیات و اعتقادات، با دین اسلام هماهنگ بوده و حفظ شده است.

- حفظ آیین‌ها، جشن‌ها، اعیاد و مشخصاً عید نوروز، جشن مهرگان، یلدا، جشن سده و حتی چهارشنبه‌سوری، به‌عنوان مراسم مذهبی زرتشتی، در دوران اسلامی.^۲ همان‌گونه که می‌دانیم، نوروز بعدها رنگ اسلامی و شیعی یافته و نزد ائمه اطهار علیهم‌السلام، از جمله امام جعفر صادق علیه‌السلام و علمای برجسته مثل ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) و علامه محمدباقر مجلسی (۱۱۰ق) تجلیل شد.

- حفظ و گاه‌شمارهای ایرانی و تقویم اوستائی (مزدیسنا). این تقویم، ماهیت مذهبی و دینی دارد که پس از ورود اسلام، همچنان مبنای محاسبه قرار گرفت؛ با این تفاوت که یک مبنا مذهبی دیگر، یعنی هجرت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن افزوده شد.^۳

- حفظ اعتقاد دینی ایرانیان به سوشیانس یا منجی عالم بشریت در آیین زرتشتی و ظهور مجدد آن در اندیشه تشیع که یکی از ارکان آن، انتظار مهدویت و اعتقاد به ظهور قائم آل محمد و مهدی موعود(عج) است.^۴

۱. صفی‌زاده، دین و فرهنگ بر پایه متون باستانی ایران، ص ۵۲-۵۵.

۲. بیات، حق و ناحق مسائلی قومی در ایران معاصر، ص ۶۱۳-۶۴۶.

۳. نبئی، تعامل دو فرهنگ شیعی و ایرانی در روند تاریخ ایران، ص ۱۹.

۴. همان.

— انواع تعاملات و اندیشه‌های ایرانیان که درصدد تلفیق هویت دین باستانی با هویت اسلامی بوده‌اند و موجب تولید مفاهیمی مثل «خرد خدایی» یا «تعقل و حیانی» شده است^۱ و یا انواع زایش‌های فکری که ماهیتاً تلفیقی از اندیشه‌های مذهبی ایران باستان و اندیشه اسلامی بودند؛ مثل:

* پیوند بین ادب و فرهنگ ایرانی با اسلام، به‌ویژه در حضور پُرننگ آموزه‌های عاشورایی در ادب و فارسی، قابل مشاهده است.

* بقای تفکرات عرفانی پیش از اسلام، به‌ویژه در دین مانوی، پس از اسلام در ایران و نیز تأثیر جدی عرفان اسلامی در فرهنگ ایران.^۲

* حضور معماری مذهبی دوره باستانی در دوره اسلامی. خط یا کتیبه‌ها، گچ‌بری‌ها و کاشی‌کاری‌ها، همگی عناصر معماری هستند که ریشه در معماری پُرسابقه ایرانی، حتی در دوران ایلامی‌ها و هخامنشی‌ها دارند.^۳

* گرایش به سوی تلفیق پدیده‌ها و فرایندهای جدید با دین، به نحوی که دین بتواند همچنان در صحنه اجتماعی و فردی به حیات خود ادامه دهد. سابقه این تلاش‌ها را در نزد حکما، فلاسفه و عرفا (ابن‌سینا: ۴۱۶ق و فارابی: ۳۳۹ق) و دانشمندان ایرانی را تا مقطع کنونی نیز می‌توان یافت.

* حضور و دخالت موثر نهادهای دینی و آنچه مربوط به دین است، مثل: اعیاد مذهبی، عزاداری‌ها و مسجد و روحانیت نیز مؤید قوت هویت دینی در نزد ایرانیان است.

۱. هادوی تهرانی، تعقل و حیانی، ثمره تعامل دو فرهنگ شیعی و ایرانی، ص ۲۰.

۲. رجایی، مسئله هویت ایرانیان امروز، ص ۵۰۹.

۳. همو، معرکه جهان‌بینی‌ها: در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، ص ۴۵.

رابطه هویت دینی و تحولات تاریخ ایران

در مورد رابطه هویت دینی و تحولات تاریخ ایران از دوران باستان تا اسلامی و معاصر، به اختصار اشاره می‌شود:

۱. دوره باستان

به نظر بسیاری از نویسندگان، دین‌داری و دین‌مداری، یکی از عناصر ذاتی و اصلی هویت ایرانی در طول تاریخ به‌شمار می‌آید؛ به نحوی که امکان تفکیک آن از سرزمین، فرهنگ و سایر عناصر هویت ایرانیان وجود ندارد.

از زمانی که نخستین دولت‌های مستقر و پایدار در فلات ایران تشکیل شده، گزارش‌های دقیق‌تری از باورهای دینی ایرانیان در دست است.^۱ ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸ق)، دین‌ها و کیش‌های ایران در دوران باستان را شامل: مغان (کیومرثیان، رزوانیان، زرتشتیان) و ثنویه‌گرایان (مانویان، مزدکیان، دیصانیان، مرفونیان، کنسرقیان، صیامیان و تناسخیان) دانسته است.^۲ پادشاهان ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ق) به یاری موبدان زرتشتی، از مواد مصالح مناسب، یعنی اقوام همخوان ایرانی که فرهنگ مشترک و دین مشترک و زبان مشترک دارند و بیش از یک هزاره در سرزمین ایران زندگی می‌کنند، دولتی واحد با نظام سیاسی و دینی واحد پدیدار می‌آورند.^۳ در واقع، دین‌باوری، یعنی همانا اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی که همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ ایرانی همراه بوده است.^۴ بنابراین، تأثیرگذاری دین در ایران، محدود به ایران دوره اسلامی نمی‌باشد؛ بلکه در جهان‌بینی ایرانیان باستان نیز دین و

۱. بکایی، *ایرانیان و ادیان*، ص ۹.

۲. شهرستانی، *ملل و نحل*، ص ۸۷.

۳. بکایی، *ایرانیان و ادیان*، ص ۳۴.

۴. رجایی، *معرکه جهان‌بینی‌ها: در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان*، ص ۱۰۹.

انگاره‌های دینی، نقش فراوانی ایفا کرده‌اند.^۱ در این زمان، درون‌مایه هویت ایرانی از حکمت آریایی و آموزه‌های دینی دوران تاریخی آنان نشئت می‌گرفت و آن عنصر سازنده و وجود فرّه است که بنیاد فلسفه آریایی را تشکیل می‌دهد.^۲ از سوی دیگر، آموزه‌های زرتشتی، انسان را در پیکار دائمی نور با ظلمت و اهورا با اهریمن، به جانب‌داری از جبهه نور و اهورا فراخوانده و او را وادار می‌ساخت تا در تلاشی سخت، در مقابل چیرگی ظلمت پایدار بماند. این، همان پیکاری بود که در اسلام با عنوان مبارزه حق و باطل، برای مؤمنان تکلیف گردید. در مجموع، می‌توان اذعان داشت که تعالیم زرتشت، بر هویت فرهنگی و سیاسی ایرانیان تأثیر شگرفی داشت.^۳

۲. از ورود اسلام تا آغاز صفویه (سده‌های میانه)

ایرانیان برای نخستین‌بار در زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ، در یمن با دین اسلام و مفاهیم و اندیشه‌های آن آشنا شدند و تبادلات ایرانیان با اعراب، موجب پذیرش سهل‌تر اسلام توسط ایرانیان شد.^۴ خلاصه آنکه شیوه ورود اسلام به ایران و گسترش آن، نشان‌دهنده وجود زمینه‌های مشترک بین روحیه و خلیقات فرهنگی ایرانیان و دین‌داری آنان در طول تاریخ داشته است. بنابراین، هویت ایرانی در قرون اولیه اسلامی، از دو آیین مایه گرفت: آیینی از گذشته باستانی که آمیزه‌ای از ادبیات، فرهنگ و روح ایرانی بود و دین جدید که دگرگونی ژرفی را در فکر و هویت ایرانی به وجود آورد. این آیین، آتشکده‌ها را به مسجد تبدیل کرد؛ اما سبک‌های معماری بناهای ساسانی، متروک نشد.^۵

۱. مسجد جامعی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، ص ۴۵.

۲. هگل، عقل در تاریخ، ص ۹۸.

۳. زهیری، جمهوری اسلامی و مسئله هویت، ص ۹۵.

۴. همان، ص ۳۴۸.

۵. مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۲۴.

می‌دانیم که قبل از آمدن اسلام به ایران، دقیقاً به دلیل اینکه جامعه ساسانی آن روز به جامعه‌ای نامنصف و طبقاتی بر اساس رابطه قومی و خونی تبدیل شده بود، مزدک بامدادان قیام کرده و مردم را به عدالت و تقوا دعوت کرد. این اتفاق، دلالت بر این دارد که جامعه آن روز ایران، از نابرابری و بی‌عدالتی رنج می‌برد و بر همین اساس، وقتی پیام اسلام دعوت به دادگری و برابری بود، ایرانیان آن را به‌گرمی پاسخ دادند. به تعبیر شهید مطهری: «یک ملت را به‌زور می‌توان مطیع کرد، اما نمی‌توان به‌زور جهش و جنبش و عشق و ایمان در او به وجود آورد؛ قلمرو زور و زر، محدود است. شاهکارهای بشری، تنها و تنها معلول عشق و ایمان است.»^۱

با ورود اسلام، هویت ایرانیان تحت عنوان هویت ایرانی - اسلامی و بر دو پایه و شاخصه شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از «ایرانیت» و «اسلامیت».

اسلامیت نیز به‌جوهی از هویت جمعی ایرانیان اشاره دارد که پس از پذیرفتن اسلام از سوی ایرانیان و مطابق با مبانی و اصول اسلامی شکل گرفت و به‌عنوان بخشی از شخصیت ایرانیان در آمد. هویت ایرانی - اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی، تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی عصر قرار داشت و در مقاطع تاریخی با توجه به سیاست‌های حاکم، یکی از وجوه هویت جمعی ایرانیان بیشتر مورد تأکید و توجه قرار می‌گرفت.

در دو قرن نخستین اسلامی، سرزمین ایران زیر فرمان خلافت بزرگ اسلامی است و والیان و حکام آن، از مدینه و کوفه و دمشق و بغداد منصوب می‌شدند. استقرار دولت‌های بزرگ سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ق)، ایلخانان (۶۵۴-۷۳۶ق)، تیموریان (۷۷۱-۹۰۳ق) و ترکمانان آق‌قویونلو (۱۳۷۸-۱۵۰۸م) نیز حاکی از تسلط سیاسی آن طوایف بر سرزمین ایران است و بر تأسیس حکومت فراگیر و وحدت سرزمین ایران دلالت ندارد. کشور ایران

۱. همان، ص ۶۷.

حدود نه قرن، یعنی تا زمان فراز آمدن صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق)، از وحدت سیاسی و قومی محروم است. در این دوران، هویت دینی بیشتر در چارچوب حاکمیت سیاسی نمود پیدا می‌کند.^۱

۳. ویژگی‌های تحولات سیاسی - اجتماعی این دوره

در مجموع، تحولات سیاسی - اجتماعی در این دوره، به شکل‌های مختلفی نمایان شد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ظهور نهضت‌ها و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی علیه امویان

نهضت‌ها و حرکت‌های این دوره، به اشکال مختلفی جریان یافت که ابتدا باید از ایرانیانی نام برد که به مقابله با سیاست‌های نژادپرستانه خلفای دوم (۱۳-۲۳ق) و سوم (۲۳-۳۵ق) پرداختند. از همه مهم‌تر، ابومسلم خراسانی (۱۳۷ق) است که با هوادارانش، معروف به سیاه‌جامگان، در به قدرت رسانیدن آل عباس نقش مهمی ایفا نمودند. نهضت شعوبیه، علیه اعراب حاکم شکل گرفت و یا قیام علویان طبرستان، به خون‌خواهی یحیی بن زید بن علی علیه السلام (۱۲۵ق)، علیه عباسیان شکل گرفت و همچنین، قیام‌هایی که در راستای حمایت از برنامه یا سیاست‌های حاکمان شکل گرفتند. همه این نهضت‌ها، تحت تأثیر هویت دینی ایرانیان بود. او از شعار «الرضا من آل محمد» استفاده می‌کرد. به همین دلیل، تعدادی از شیعیان با او همکاری کردند.^۲

- تأسیس دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل از خلافت عباسی

تأسیس دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل همچون دولت: طاهریان، صفاریان، سامانیان، علویان طبرستان، دولت آل کیا، آل بویه، آل زیار و ده‌ها دولت دیگر، از جمله فعالیت‌های

۱. همو، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۷۶.

۲. بهرامیان و سجادی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابومسلم خراسانی»، ج ۶،

ایرانیان در حوزه تمدن اسلامی محسوب می‌گردد.^۱ تشکیل این دولت‌ها، تحت تأثیر هویت دینی ایرانیان بود. با توجه به مؤلفه‌های هویت دینی، مثل: توحیدمحوری، امامت‌محوری، تمایل به حفظ ظاهر و پوشش اسلامی، اعتقاد به کتاب آسمانی، اعتقاد به عدل الهی، باور به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دولت‌های شیعی و چه سنی، تحت تأثیر این مؤلفه‌ها مردم را با خود همراه می‌کردند؛ مثلاً یکی از نخستین کوچ‌های علویان به سوی دیلم، حرکت یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (۱۶۹ق) بود که به نخستین خیزش شیعی در دیلم انجامید^۲ و در نهایت، به تشکیل حکومت منجر شد. همچنین، آل بویه برای اینکه حکومتشان توسط مردم بهتر پذیرفته شود، در صدد برآمدند تا با بهره‌گیری از مفهوم سیاسی سلطنت در ایران باستان، یعنی الهی بودن: حکومت، وراثت و عدالت، به حکومت خود مشروعیت بخشند.^۳

- ترویج تشیع و اظهار علاقه به اهل بیت علیهم السلام

علاقه‌مند بودن به عدالت و پابندی به اسلام اصیل، از نشانه‌های مهم ایرانیان بوده است. در طول تاریخ اسلامی، این گرایش ایرانیان در محبت و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تجلی کرد و بر اثر نفوذ تدریجی دین اسلام در ایران در طول قرون، مردم این سرزمین به تشیع روی آوردند.^۴ نتیجه اینکه حضور این لایه هویتی، در تحولات

۱. جعفریان، هویت ایران در کشاکش تحولات سیاسی در چهارده قرن اخیر، در کتاب مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، ص ۱۹۸.

۲. همو، تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۹۸.

۳. ایمان پور و همکاران، بازیابی فرهنگ ایران باستان در دوره آل بویه: مشروعیت سیاسی حکومت، ص ۳۴.

۴. فوزی، امام خمینی و هویت ملی در ایران، ص ۱۰۹.

مقاطع بعدی سرزمین ایران، بسیار تأثیرگذار بوده است که در ادامه، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

شکل‌گیری هویت جدید با تمرکز بر ملیت ایرانی و مذهب تشیع (از آغاز صفویه تا نهضت مشروطیت)

در میان دولت‌های شیعی که همگی در رشد فرهنگ شیعه در ایران مؤثر بوده‌اند و شامل: دولت شیعی طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ق)، دولت آل بویه (۳۲۲-۴۴۸ق)، ایلخان مغول (۶۵۴-۷۳۶ق)، به‌خصوص غازان خان (یا همان سلطان محمد خداپسند (۷۱۶ق)) و امرای سربداران (۷۱۷-۷۱۶ق) می‌شود، نقش دولت صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق)، از همه مهم‌تر است. شاه اسماعیل صفوی که در واقع قصد تفکیک هویت شیعی را از هویت اسلام سنی در عثمانی به‌عنوان مهم‌ترین رقیب خود داشت، برای تقویت بنیان‌های شیعه، علمای دوازده امامی شیعه را از شامات، بحرین و شمال شرقی عربستان به ایران دعوت کرد که از جمله مهم‌ترین آنها محقق کرکی (۸۷۰-۹۴۰ق) بود.^۱ با در نظر گرفتن اینکه اکثریت مردم ایران در آغاز قرن نهم هجری سنی مذهب بوده‌اند، خاندان صفوی طی ۲۳۰ سال حکومت خود، با طرح هویت شیعی برای ایرانیان، توانست ایران را به صورت کشوری با هویت مستقل به وجود آورد.^۲

تثبیت شیعه در این عصر، به‌خصوص در دوره شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸ق) به اوج رسید و با سقوط صفویه، افغان‌های سنی بر ایران حاکم شدند و پس از آنها نیز نادرشاه افشار به قدرت رسید که او نیز با وجود عدم اعتقاد فردی، در پی حفظ شیعه در ایران بود؛ اما توانایی او در حد اقتدار صفویه نبود.

۱. توکلی، تاریخ‌پردازی و ایران‌آرایی، بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ، ص ۱۱۴.

۲. جعفریان، هویت ایران در کشاکش تحولات سیاسی در چهارده قرن اخیر، ص ۸۱.

صفویان توانستند با تکیه بر ارزش‌های شیعی - ایرانی، هویت ایرانی را در قالب یک دولت‌مداری قدرتمند بازتولید کنند. در این دوره، با استقرار دولت مرکزی، اتحاد سیاسی و مذهبی بازگشت و این‌گونه، مفهوم ایران پس از نهصد سال فترت، تعیین و تشخیص سیاسی و دینی پیدا می‌کند و شالوده تحول و تکامل هویت ملی در عصر جدید می‌شود. نقطه ثقل سیاست‌ها در فرآیند هویت‌سازی، بر روی تشیع به‌عنوان عنصر اصلی وحدت ملی و عامل ایرانی به‌صورت تبعی متمرکز شد.

مهم‌ترین مسئله در عصر صفوی، حضور دین در عرصه سیاست و تعامل دین با دولت نوپای صفوی است. این موضوع، در شرایطی است که پس از صدر اسلام و به‌خصوص در عصر غیبت، علمای شیعه تجربه عملی حضور در سیاست را نداشتند. از مهم‌ترین مشخصه‌های این دوره، تفکیک میان وظایف در حیطه امور شرعی و امور عرفی است که مشخصاً علما عهده دار مسئولیت در حیطه امور شرعی بودند و شاه و سازمان اداری حکومت، تدبیر امور عرفی را بر عهده داشت.

دولت صفویه، از آغاز با چالش عثمانی‌ها، ازبک‌ها و پرتغالی‌ها مواجه بود؛ اما در مجموع، این دولت توانست با بهره‌گیری از بسترها و ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی و در پرتو تشیع، امنیت پویا و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را در کشور ایجاد نماید و انسجامی را که لازمه یک دولت ملی و وحدت‌بخش است، تحقق بخشد و در نتیجه، هویت ایرانی و وحدت فرهنگی همراه با وحدت جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی در ایران محقق شد.

در آغاز قرن یازدهم قمری که صفویه، تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی ایران برگزیدند، فصل جدیدی هم در تاریخ تشیع و هم در تاریخ ایران به وجود آمد؛ چنان‌که مذهب با ایران پیوند یافت و این کشور به‌منزله زاد و بوم مذهب تشیع به‌شمار رفت. در نتیجه، نظام‌های مذهبی شیعه به گونه‌ای بی‌سابقه رونق گرفت.

صفویه همچون ساسانیان برای نهادینه کردن ارزش‌های خود (تشیع و ایرانی‌ت)، به «ابداع سنت» روی آوردند و از طریق یکسری نمادها، روزهای ملی و دینی، مانند نوروز و ایام محرم و راهاندازی مراسم و آیین‌های خاص، به ترویج ارزش‌ها در سطح قلمرو سرزمینی پرداختند که در نهایت، توانست به ارائه یک روایت روزآمد و کاربردی از هویت ایرانی منجر شود و بدین سان، به تدریج فرهنگی عمومی و مشترک بر پایه اسلام شیعی و فرهنگ ایرانی بازآفرینی شد. این حکومت متمرکز، مستقل و فراگیر که به تمامی در هویت شیعی متجلی گردید، مهم‌ترین عنصر هویت ملی در آن عصر بود. در کنار آن، مذهب شیعه نیز با کارکردهای مختلف، در تکوین هویت ایرانی این دوره نقش اساسی داشت.

این پدیده، زمینه را برای شکل‌گیری هویتی متمایز با دیگر مسلمانان فراهم آورد؛ به‌گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران، دولت صفوی و مذهب شیعه را در کنار فرهنگ مشترک، دو عنصر مهم پیونددهنده، آغازگر و تداوم‌بخش حیات ملی ایرانیان در پنج قرن گذشته دانسته‌اند.^۱

۱. آموزه‌های شیعی و هویت ایرانی

شیعه در دو عرصه کلامی و فقهی، از مذاهب اسلامی به شمار می‌آید که ریشه آن را باید در مخالفت با جریان سقیفه و شکل‌گیری خلافت عربی، با تأکید بر حقانیت و پیروی از حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او جست‌وجو کرد.

البته این مذهب بیش از آنکه با نظر فقهی هویتی متمایز از سایر مذاهب اسلامی باشد، در اندیشه امامت در اهل بیت و ائمه علیهم السلام، از سایر مسلمانان جدا می‌شود. ریشه این اختلافات را پس از حیات رسول گرامی صلی الله علیه و آله باید جست‌وجو کرد. ایرانیان از این زمان با دو روایت از اسلام روبه‌رو می‌شوند: اسلام خلافت و اسلام امامت. در این میان، شیعه، یعنی

۱. گودرزی، کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در عصر صفوی در: دین، انقلاب اسلامی و هویت، ص ۵۷.

اسلام امامت، با روح ایرانی سازگارتر بود؛ چراکه در منابع تاریخی به موارد متعددی بر می‌خوریم که ایرانیان از بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و بی‌مهتری‌هایی که دستگاه خلافت در مورد آنان روا می‌داشت، شکایت می‌کردند.^۱ به‌رحال، ایرانیان به جهت ارادت به خاندان پیامبر و دلبستگی به اصالت‌های خاندانی که ریشه در گذشته پیش از اسلام آنها داشت، به شیعه گرویدند.^۲ در مجموع، چند عامل تاریخی در گرایش ایرانیان به تشیع، مهم‌ترین نقش را داشته‌اند که برجسته‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- نقش سلمان فارسی و حذیفه بن یمان در اسلام‌گرایی و شیعه‌گرایی ایرانیان؛
- امامت حضرت علی علیه السلام در کوفه و توجه مهرآمیز امام علیه السلام به شیعیان مدائن و نزدیکی کوفه به ایران؛
- نهضت امام حسین علیه السلام و نقش‌آفرینی ایرانیان یا موالی در قیام مختار؛
- نهضت فرهنگی امام صادق علیه السلام و گسترش اندیشه‌های امام صادق علیه السلام در ایران، به‌ویژه نهادینه شدن شیعه دوازده امامی؛
- مهاجرت شیعیان به قم در نیمه دوم قرن اول هجری و فعالیت‌های خاندان اشعری؛
- حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به خراسان؛
- پراکندگی امام‌زادگان و شاگردان ائمه اطهار علیهم السلام در ایران؛
- علمای ایرانی‌الاصل، مانند: شیخ صدوق، صاحب‌بن‌عباد و خاندان نوبختی؛^۳
- تشیع پادشاهان آل بویه، شاه خدابنده و...؛
- و در نهایت، ظهور صفویه در قرن ۱۰-۱۱ (۸۷۸-۱۱۱۴ ق).^۴

۱. جعفریان، هویت ایران در کشاکش تحولات سیاسی در چهارده قرن اخیر، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۲۶۳.

۳. حاجیانی، بررسی منابع هویت ایرانی، ص ۱۱۵.

۴. محمدی اشتهاردی، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی،

ص ۲۶۳-۳۷۶.

۲. کارکرد هویت‌ساز مذهب شیعه

در دوره اسلامی تا روی کار آمدن صفویان، ایرانیان از هویت دینی به‌عنوان یکی از عناصر هویت برخوردار بودند؛ اما در دوره صفوی، مذهب شیعه از یک نیروی اجتماعی به یک نهاد رسمی هویت‌بخش در ایران مبدل گشت و نقش بی‌بدیل خود را در تکوین هویت ایرانیان بر عهده گرفت. بنابراین، مهم‌ترین کارکردهای مذهب در هویت‌بخشی به جامعه عصر صفوی عبارت‌اند از:

- ایجاد وحدت مذهبی در سراسر کشور؛
- تشابه‌سازی و تمایزبخشی به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش؛
- بر عهده گرفتن نقش ناسیونالیسم مذهبی برای حفظ کیان کشور و ملت؛
- بر عهده گرفتن نقش اساسی در حفظ استقلال ملی در برابر دو قدرت سنی‌مذهب عثمانی و تورانی؛
- ایفای نقش مشروعیت‌بخش برای حکومت صفوی و ایجاد نظام حقوقی برای حکومت صفوی.^۱

بنابراین، ظهور صفویه در ایران، نه تنها زمینه‌ساز وحدت ارضی کشور شد، بلکه موجب نوعی بازتولید هویت جدید ایرانی گشت که تا اندازه‌ای تحت حمایت دولت بود. در این دستگاه، تشیع نقش عمده‌ای در شکل‌دهی و تمایز هویتی در برابر مهم‌ترین دگرهای خارجی، یعنی عثمانیان و ازبکان داشت و این اتحاد که تقریباً در سراسر ایران شکل گرفت، کارکرد هویت‌بخش از طریق همگون‌سازی جامعه را در پی داشت؛ چراکه این دولت توانست با تکیه بر تشیع از یک سو، و هویت ایرانی از دیگر سو، این دو مقوله را به طرز تفکیک‌ناپذیری یکپارچه نماید.

۱. گودرزی، کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در عصر صفوی در: دین، انقلاب اسلامی و هویت،

از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

عوامل و زمینه‌های تکوین و احیا هویت دینی در ایران معاصر از دوره مشروطه به بعد، بیشتر صبغه سیاسی پیدا کرد و هویت دینی در تحولات سیاسی ایران، همانند: مبارزه با دین‌ستیزی پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی و...، تاثیر اساسی داشت. مهم‌ترین این عوامل، عبارت‌اند از:

۱. نهضت‌های اجتماعی متکی بر دین

جنبش‌های اجتماعی مهم در ایران معاصر، علاوه بر اینکه یکی از نمادها و نشانه‌های مهم حضور دین در جامعه ایران است، به خودی خود، دامنه تأثیرگذاری دین را نیز توسعه و تعمیق بخشیده‌اند و این جنبش‌ها شامل نهضت: تنباکو، مشروطه، ملی‌گرایان، صنعت نفت، ۱۵ خرداد و در نهایت، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی هشت‌ساله بوده است.

۲. نقش آفرینی نخبگان و روشنفکران در احیای هویت دینی

پس از آغاز تعامل و ارتباط با فرهنگ غربی که در دوره قاجار اوج گرفت، در پرسش از هویت ایرانی و علل عقب‌ماندگی ایران، چند پاسخ مهم از سوی روشنفکران مطرح شد که یکی، بازگشت به ایران باستان (یا ایران قبل از اسلام) بود و دیگری، برگرفتن فرهنگ غرب و غربی شدن و پاسخ دیگر، احیای فرهنگ دینی و اسلامی بود و این مورد آخر، خود متضمن روایت‌های مختلفی بود و در آن چندین مواجهه و پاسخ مطرح شد و چون اکثر این بررسی‌ها و پاسخ‌ها با نوعی بازگشت به مذهب همراه بود، موجب شد که ایرانیان به تدریج به کشف، احیا و بازتولید و بازسازی هویت مذهبی خود دست بزنند.^۱ بنابراین، نقش متفکران و روشنفکران را باید به‌عنوان یک متغیر مستقل در احیای هویت اسلامی در شاکله هویت ایرانی دانست.

۱. پدram، روشنفکران دینی و مدرنیته پس از انقلاب، ص ۱۹.

۳. ظهور روشنفکران دینی در ایران

عملکرد جریان‌های غرب‌گرا و به‌ویژه حکومت پهلوی، موجب رشد جریان‌های جدید فکری در ایران شد که ضمن نقد مدرنیته غربی، به احیا و بازتولید هویت دینی در سطح اندیشگی و نیز در سطح عمومی (اجتماعی) یاری رساندند. اشاره به این نکته در اینجا لازم است که این جریان‌های فکری جدید، تا حدی تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن اسلامی در کشورهای اسلامی دیگر بوده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها، سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۷۵ش)، سرسید احمدخان هندی (۱۸۹۸م)، حسن البنا (۱۹۴۹م) و ابوالعلا مودودی (۱۹۷۹م) می‌باشند.^۱ از شخصیت‌های اولیه برجسته مؤثر در احیای هویت دینی در ایران، باید به محمد نخشب (۱۳۵۵ش)^۲ که نهضت خداپرستان سوسیالیست را

۱. همان، ص ۵۸-۵۱.

۲. محمد نخشب، در سال ۱۳۰۲ در تهران چشم به جهان گشود. نخستین بخش زندگانی او، در زمانه خودکامگی رضاشاه سپری گردید. نخشب در سال ۱۳۲۲، به دانشگاه تهران راه یافت و در رشته حقوق قضایی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به آموختن پرداخت. او با الهام گرفتن از مبانی اجتماعی و سیاسی اسلام و در مخالفت با حزب توده، نخست «نهضت خداپرستان سوسیالیست» و سپس «حزب مردم ایران» را تشکیل داد. اسلام در این نهضت، اسلام انقلابی معطوف به کنش است؛ اسلامی که الگوی آرمانی آن، صدر اسلام بود؛ اسلامی که نماد آن، عصیان ابودر و عدالت علوی است. از سوی دیگر، سوسیالیسم در این نهضت، ملغمه‌ای از آرای مارکس جوان، لنینیسم و سوسیالیسم تخیلی بود که مهم‌ترین ویژگی آن، برقراری عدالت و برابری در جامعه بود.

نخشب، به‌عنوان نخستین ایرانی فعال در راه تلفیق تشیع با سوسیالیسم، شناخته می‌شود. او در مهر و موم‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، جذب ناسیونالیسم ملی‌گرایی جبهه ملی شد و در نتیجه حوادث مربوط به کودتای ۲۸ مرداد، به زندان افتاد. پس از آزادی، روانه آمریکا شد. مدتی در سازمان

بنیان گذاشته و دارای گرایش‌های مذهبی و سوسیالیستی به صورت توأمان بوده است، اشاره کرد.^۱ پدرام، مجموعه جریان‌های فکری - مذهبی در مقطع مورد بررسی در این بخش را شامل سه گروه: سنتی، مدرنیسم اسلامی و اسلام انتقادی دانسته است.^۲

۴. نقش امام خمینی در احیای هویت دینی

به جرئت می‌توان گفت، مهم‌ترین نقش در میان نخبگان و روشنفکران مذهبی برای احیای هویت مذهبی در ایران معاصر، به عهده حضرت امام خمینی (ره) بوده است. مفهوم هویت فردی در اندیشه امام، به «بندگی خدا» مرتبط می‌شود.^۳ ایشان در سطح جمعی نیز سعی کرده با معرفی اسلام واقعی در قالب اسلام سیاسی، هویت ملی را در ذیل آن تعریف کند و در سطح عالی‌تر، ملل مسلمان را حول محور هویت دینی - اسلامی وحدت بخشد. امام خمینی تأکید اصلی خود را بر نظریه «بازگشت به خویش» گذاشت^۴ که منظور از آن، اسلام است. او هویت اسلامی را در مقابل ابرقدرت و غرب گذاشته و بر استقلال آن تأکید داشت.

ملل کار کرد و هم‌زمان با دریافت درجه دکترا در رشته مدیریت دولتی از دانشگاه نیویورک، مسئولیت نمایندگی جبهه ملی سوم در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی شاخه آمریکا را بر عهده گرفت. نخشب، در میانه دهه ۱۳۴۰، دوباره به ریشه‌های اسلامی اندیشه خود بازگشت و کنفدراسیون را ترک کرده، به تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان همت گماشت. او که بیشتر سال‌های زندگی خود را در راه تلفیق سوسیالیسم با اسلام وقف کرده بود، در آستانه انقلاب اسلامی (۱۳۵۵ش) در نیویورک درگذشت.

۱. پدرام، روشنفکران دینی و مدرنیته پس از انقلاب، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. صالحی، انقلاب اسلامی و مقوله هویت، ص ۱۵.

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۴۳.

۵. انقلاب اسلامی و هویت مذهبی

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به دلیل حضور گروه توده‌های میلیونی در آن، به نظر فرد هالیدی (۲۰۱۰م)^۱ در تمام قرن بیستم منحصر به فرد بوده است. انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه خود نشانه‌ای از زنده بودن هویت دینی ایرانیان داشت، موجب تقویت و انسجام هویت دینی در ایران شد. شعارها و تاکتیک‌های انتخاب‌شده در جریان انقلاب، ماهیت مذهبی داشت و رهبری و نمادهای انقلابی، نقش مهم تکایا و مساجد و روحانیت، همگی حاکی از اهمیت مذهب در انقلاب اسلامی داشت.^۲

۱. فرد هالیدی (Fred Halliday)، در ۲۲ فوریه ۱۹۴۶ در شهر داندالک در ایرلند چشم به جهان گشود. برای تحصیلات دانشگاهی، وارد دانشگاه آکسفورد شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۶۷ دریافت کرد. او مدرک کارشناسی ارشد خویش را از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (۱۹۶۹م) گرفت و در سال ۱۹۸۵م، موفق در دریافت درجه دکترا در زمینه روابط خارجی یمن از مدرسه اقتصاد لندن شد.

فرد هالیدی، به عنوان یک زبان‌شناس، پدیده زبان را در درک جهانی‌سازی بسیار مهم می‌دانست و با ۱۲ زبان دنیا، از جمله زبان: فارسی، عربی، لاتین، یونانی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی، روسی و پرتغالی آشنایی داشت.

نخستین کتاب فرد هالیدی، درباره ایران در سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۶-۱۳۵۷) با عنوان «ایران: دیکتاتوری و توسعه» نوشته شد. به گفته خودش، او مثل اکثریت قریب به اتفاق تحلیل‌گران، پیش‌بینی نمی‌کرد که در ایران انقلابی صورت بگیرد؛ اما مشکلاتی را که حکومت پهلوی با آن مواجه بود، بسیار عمده می‌دید. کمتر از یک سال پس از چاپ این کتاب، انقلاب ایران پیروز شد و عطش دانستن درباره این کشور، باعث شد کتاب فرد هالیدی پس از ویرایش‌های مرتبط به وقایع انقلاب، تحت عنوان «مقدمه‌ای بر انقلاب ایران» دو بار تجدید چاپ شود.

۲. توکلی، تاریخ‌پردازی و ایران‌آرایی، بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ، ص ۴۷۵.

اساساً ایدئولوژی و رهبری انقلاب، از اسلام الهام گرفته شده بود.^۱ با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات بنیادی در زمینه کنترل نهادهای مذهبی، قانون و خانواده، مقررات و قوانین رایج در دستگاه قضایی و نظام آموزشی به وجود آمد^۲ و دولت‌های پس از انقلاب به سرعت دست به کار بازگرداندن مذهب به صحنه نهادی جامعه شدند. پروژه «اسلامی کردن» جامعه، تغییرات چشمگیری در ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و تا حدی اقتصادی به وجود آورد.^۳

۶. جهانی شدن و تأثیر آن بر انسجام هویت مذهبی در ایران

برخلاف تصور اولیه، فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن در ایران، تأثیر جدی، مثبت و فزاینده بر دین‌گرایی و هویت دینی ایرانیان به جا گذاشته است. البته این اندیشه که جهانی شدن و مدرنیته بر گرایش به دین اثر گذاشته و موجب تشدید آن شده، از سوی بسیاری تأیید شده است؛ از جمله: اینگلههارت^۴ (۲۰۲۱م)، پیتربرگر^۵ (۲۰۱۷م) و اخیراً جانانان ترنر^۶، بر آن تأکید دارند.^۷ به هر حال، تحت تأثیر فرایندهای تجدد، انواع هویت‌ها

۱. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ص ۶۳۵.

۲. همان، ص ۶۷۴.

۳. کاظمی پور، *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران ۱۳۵۳-۱۳۷۹*، ص ۱۲.

۴. رونالد اینگلههارت (Ronald F. Inglehart)، دانشمند سیاسی آمریکایی که در زمینه سیاست تطبیقی متخصص بود.

۵. پیتربرگر (Peter L. Berger)، در ۱۷ مارس ۱۹۲۹م در وین به دنیا آمد؛ جامعه‌شناس اتریشی‌الصل آمریکایی که برای کارهای خود درباره: جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی دین، مطالعات مدرنیسم و کمک‌های نظری به نظریه جامعه‌شناختی، شناخته شده است.

۶. جانانان ترنر (Jonathan H. Turner)، زاده ۷ سپتامبر ۱۹۴۲م. سی‌وهشتمین استاد دانشگاه کالیفرنیا و ریورساید ایالات متحده آمریکا در رشته جامعه‌شناسی است.

۷. اینگلههارت، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ص ۱۲۷-۱۳۰.

[یا اندیشه‌های] دینی در ایران ظهور یافته است که می‌توان در آشکال ذیل آنها را بررسی کرد:

۱. بنیادگرایی؛ ۲. تفکر سنتی (روحانیت سنتی، مکتب تفکیک و سنت‌گرایان)؛ ۳. نواندیشی در ابعاد فقهی، مانند امام خمینی؛ ۴. نوگرایی دینی، مثل: مهندس بازرگان، شریعتی و نخشب؛ ۵. نواندیشی دینی، همچون: سروش، مجتهد شبستری، کدیور و...^۱

نتیجه

به یقین، میان حیات سیاسی ایران، چه قبل و چه بعد از اسلام و معتقدات دینی و مذهبی جامعه، ارتباطی متقابل برقرار بوده است. دو حوزه دین و دولت که هر دو به گستره عمومی جامعه تعلق داشتند، در تأمین خواسته‌ها و منافع مادی و معنوی خویش در موارد بسیار، هم‌پوشانی یافته‌اند. حکومت‌ها بر بنیادهای مذهبی و دینی استوار بوده و پادشاهان و حکام سعی داشتند با ابراز علاقه به اعتقادات رایج جامعه و جلب نظر دستگاه مذهبی، پایه‌های قدرت سیاسی خویش را مستحکم نگه دارند. البته در برخی دوره‌ها، بین دو گروه، تعارض‌هایی پدید می‌آمد که یا ناشی از سیاست مذهبی دولت‌مردان آن عصر بود که بر تساهل و تسامح تکیه داشت و یا ناشی از دخالت بیش از حد متولیان نهاد دین (در دوره باستان) در حکومت بود تا خویش را مستحکم نگه دارند.

بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر، به‌ویژه انقلاب اسلامی، بیانگر رابطه عمیق این تحولات با عامل هویت و تأثیر و تأثر این دو بر یکدیگر است. این رابطه، به‌گونه‌ای ارزیابی می‌شود که نقاط عطف تاریخ معاصر ایران، همچون: قیام تنباکو، نهضت ملی شدن نفت، نهضت مشروطیت و... بدون نظر گرفتن این مسئله، قابل تحلیل نیست.

۱. رهدار، بررسی و نقد تئوری‌های انقلاب، ص ۲۵.

بر اساس آنچه در این پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، چنانچه سیاست‌های هویتی و الگوهای نوسازی و توسعه متناسب با زیست‌بومی و شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، برنامه‌ریزی و اجرا نگردد، این روند موجب از هم گسیختگی و عدم تعادل در آن جامعه می‌گردد. این فرآیند، در جوامعی که قصد تقلید نوسازی از سایر جوامع را دارند، به تعارضات اساسی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد و بر هم خوردن ترکیب بین اعمال خطمشی‌های حکومت از طرفی، و منافع نیروهای مخالف از طرف دیگر، بر شدت این تعارض و تقابل می‌افزاید. بر همین مبنا، تحولات سیاسی ایران مثل مشروطه صفویه و وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ش (۱۹۷۹م) در کشور ایران را باید در هویت فرهنگی ایرانیان ریشه‌یابی نمود؛ چراکه سیاست‌ها و نظام ارزشی که از غیریت‌های موجود ترویج می‌شد، هنجارهای جامعه ایرانی را در هم ریخت و آنها بدون توجه به شرایط فرهنگی، زیست‌بومی و مقتضیات اجتماعی جامعه ایران و عمدتاً روش‌ها و برنامه‌های تحمیلی و تقلیدی را جست‌وجوی می‌کردند که در آن دین و مذهب، جایگاهی نداشت و انقطاع فرهنگی و بحران هویت، ثمره چنین فرآیندی بود. در واقع، اسلام شیعی با تکیه بر اصول اعتقادی و مبانی فرهنگ هویت‌ساز شیعه، زمینه به وجود آمدن حکومت‌های با صبغه دینی بود. از این رو، یکی از دلایلی که مردم در سال ۱۳۵۷ش انقلاب کردند، همان سیاست‌های ضدّ مذهبی شاه بوده است. نتیجه اینکه با توجه به سابقه تمدنی ایران، می‌توان گفت که دین، تمدن‌ساز است و انقلاب اسلامی هم با تکیه بر دین اسلام، می‌تواند احیاگر تمدن نوین اسلامی باشد.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، تهران، نی.
۲. اخوان مفرد، حمید، ۱۳۸۱، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۳. الطای، علی، ۱۳۷۸، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران، شادگان.
۴. ایمان پور، محمدتقی، یحیایی، علی و جهان، زهرا، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، «بازیابی فرهنگ ایران باستان در دوره آل‌بویه: مشروعیت سیاسی حکومت»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۹.
۵. الگار، حامد، ۱۳۶۰، *انقلاب اسلامی ایران*، م: حسن چیدری و فواید شاکری، تهران، قلم.
۶. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی، ۱۳۷۶، *ایران و تنهایی‌اش*، تهران، سهامی انتشار.
۷. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۳، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران، کویر.
۸. افتخارزاده، محمودرضا، ۱۳۷۹، *اسلام و ایران (مذهب و ملیت ایرانی)*، تهران، رسالت قلم.
۹. ابوالحسنی، سید رحیم، ۱۳۸۶، *سنجش هویت ملی در تهران*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. بکایی، حسین، ۱۳۸۵، «ایرانیان و ادیان»، *اعتماد ملی*، یکشنبه، ۱۲ آذرماه.
۱۱. بهرامیان، علی و سجادی، صادق، ۱۳۷۳، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶، مدخل «ابومسلم خراسانی»، تهران، مؤسسه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۲. بیات، کاوه، ۱۳۸۴، «حق و ناحق مسائلی قومی در ایران معاصر»، *فصلنامه گفتگو*، شماره ۴۳.
۱۳. پدرام، مسعود، تیر ۱۳۷۲، «روشنفکران دینی و مدرنیته پس از انقلاب»، *گام نو*، شماره ۶۴.
۱۴. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۴، *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
۱۵. ثلاثی، محسن، ۱۳۸۰، *جهانی‌ایرانی و ایران جهانی*، نشر مرکز.
۱۶. توکلی‌طرقی، محمد، ۱۳۷۳، «تاریخ‌پردازی و ایران‌آرایی؛ بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ»، *سال دوازدهم*، شماره ۸۰.

۱۷. حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۸۷، «بررسی منابع هویت ایرانی»، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.
۱۸. جوانی، حجت‌اله، ۱۳۸۴، «انواع هویت دینی»، فصلنامه اسلام‌پژوهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، جهاد دانشگاهی، شماره ۹.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، شریعت در آینه معرفت، قم، اسرا.
۲۰. جعفریان، رسول، ۱۳۸۴، هویت ایران در کشاکش تحولات سیاسی در چهارده قرن اخیر، در کتاب مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. چیت‌ساز قمی، محمد، ۱۳۸۳، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۲. خانیکی، ۱۳۸۳، هویت و گفتمانهای هویتی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۳. درخشه، جلال، ۱۳۸۰، «مدیریت بحران‌های هویتی در ایران»، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.
۲۴. رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۲، معرکه جهان‌بینی‌ها: در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، احیاء کتاب.
۲۵. —، ۱۳۸۹، مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران، نی.
۲۶. رهدار، احمد، ۱۳۹۲، بررسی و نقد تئوری‌های انقلاب، قم، دفتر نشر معارف.
۲۷. زهیری، علیرضا، ۱۳۸۹، جمهوری اسلامی و مسئله هویت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. شیرخانی، علی، ۱۳۸۲، تشیع و روند گسترش آن در اسلام، قم، معارف.
۲۹. شجاعی‌زند، علی‌رضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱: ۳۴-۶۶.
۳۰. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ۱۳۷۷، الملل والنحل، گردآورنده: سید محمد عمادی حائری، مرکز نشر میراث مکتوب.
۳۱. صفی‌زاده، فارق، ۱۳۸۴، دین و فرهنگ بر پایه متون باستانی ایران.

۳۲. صالحی، محمدعلی، ۱۳۸۵، *انقلاب اسلامی و مقوله هویت*.
۳۳. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۳، *شیعه در اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۴. —، ۱۳۷۶، *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمدباقر موسوی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. فوزی، یحیی، ۱۳۸۵، *امام خمینی و هویت ملی در ایران*، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۶. فوکو، میشل، ۱۳۸۹، *ایران روح یک جهان بی روح*، ترجمه: افشین جهاننیده و نیکو سرخوش، تهران، نی.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۶، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. کجویان، حسین، ۱۳۸۴، *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران: درکشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران، نی.
۳۹. کاظمی پور، عبدالمحمد، ۱۳۸۲، *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران (۱۳۵۳—۱۳۷۹)*، تهران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. گودرزی، حسین، ۱۳۹۱، *کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در عصر صفوی در: دین، انقلاب اسلامی و هویت*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۴۱. گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱، *جهانی شدن فرهنگ و هویت*، تهران، نی.
۴۲. گرن، گئو ویدن، ۱۳۷۷، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران، انتشارات آگاهان دیده.
۴۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، ج ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۴. مسجد جامعی، احمد، ۱۳۸۳، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، به اهتمام: داود میرمحمدی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
۴۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۴، *آموزش عقاید*، ج ۱-۲، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم، انتشارات صدرا.
۴۷. —، ۱۳۶۲، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، انتشارات صدرا.

۴۸. محمدی، محمد، ۱۳۷۴، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، تهران، توس.
۴۹. منصورنژاد، محمد، ۱۳۸۳، عقل در سه دین بزرگ آسمانی: زرتشت، مسیحیت و اسلام؛ سیری در تعاریف و سابقه مفهوم عقل و ارتباط آن با ادیان، تهران، نشر جوان پویا.
۵۰. نبیسی، ابوالفضل، ۱۳۸۴، تعامل دو فرهنگ شیعی و ایرانی در روند تاریخ ایران، محمدجواد درصاحبی.
۵۱. هگل، فریدریش، ۱۳۹۸، عقل در تاریخ، مترجم: حمید عنایت، چاپ هفتم، تهران، شفیعی.
۵۲. نجفی، موسی و فقیه حقانی، موسی، ۱۳۹۲، تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت مدنیت و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵۳. هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۸۴، تعقل و حیانی، ثمره تعامل دو فرهنگ شیعی و ایرانی، محمدجواد درصاحبی.